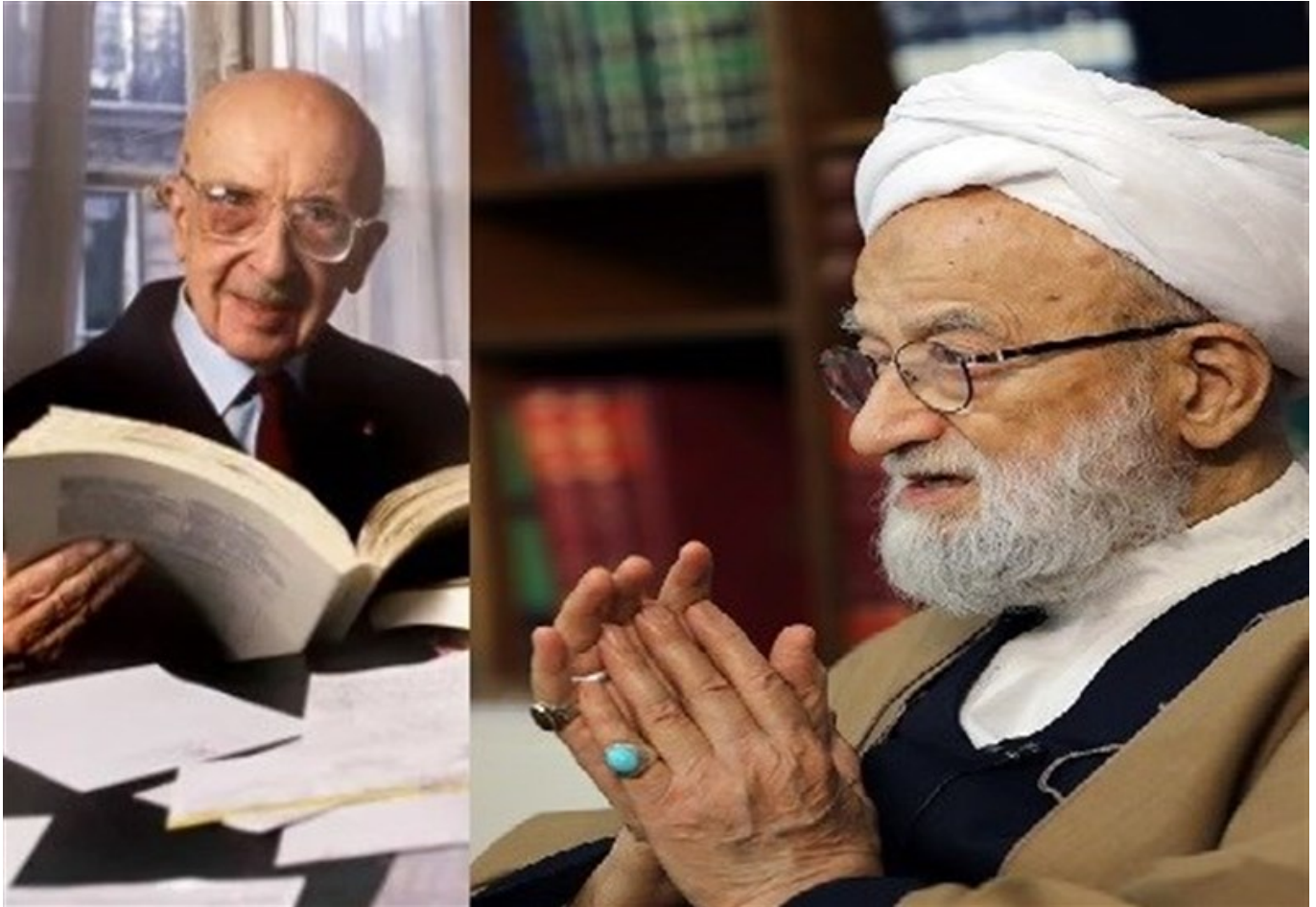


خاطرات مرحوم امامی کاشانی در دیدار با فیلسوف بزرگ کاتولیک/ ژان گیتون: اسلام به واقعیت نزدیکتر است تا مسیحیت



شناسه خبر: ۱۳۸۰۵۸ دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۳:۴۴

مرحوم امامی کاشانی در کتاب «خط امان» خود، خاطراتی درباره دیدارش با «ژان گیتون» عضو فرهنگستان فرانسه و از بزرگترین فیلسوفان و متألهان کاتولیک با موضوع بازگشت عیسی (ع) و آخرالزمان نقل می‌کند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، کتاب «خط امان در ولایت» امام زمان» اثر حجت الاسلام محمد امامی کاشانی، کتابی پیرامون موعود ادیان است که در آن عمدتاً به مباحث عقلی در این زمینه پرداخته شده است. بخشی از این کتاب به گفت‌وگوی مرحوم امامی کاشانی با علمای ادیان اختصاص یافته است که در نوع خود بسیار جذاب و درس‌آموز است.

در ادامه، متن گفت‌وگوی حجت الاسلام امامی کاشانی را با «ژان گیتون» عضو فرهنگستان فرانسه و از بزرگترین

فیلسوفان و متألّهان کاتولیک، شاگرد و آخرین وارث تفکر فیلسوف نامدار قرن بیستم، هانری برگسون را می‌خوانید.

«مؤلف: ضمن ابراز خوشحالی از این ملاقات می‌خواستم نظر شما را در مورد چگونگی عقیده به بازگشت حضرت مسیح علیه‌السلام و بالطبع پیش‌بینی آینده جهان بشریت باتوجه به نظریات و عقاید ابراز شده در اناجیل و آنچه در میان دانشمندان مسیحی مطرح است جویا شوم.

ژان گیتون: شخصاً عقیده دارم دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، دوران بسیار مهمی است. همه چیز به سرعت در حال تغییر است. دنیا به سمت و سوی نوعی وحدت و یکپارچگی پیش می‌رود. به زودی زمانی فرا می‌رسد که پول کشورهای مختلف یکی می‌شود و مرزی میان کشورها باقی نمی‌ماند. دورانی فرا می‌رسد که ما هیچ نشانی از گذشته را در آن نمی‌بینیم. سیر اختراعات این روند را سرعت می‌بخشد. هم‌اکنون بعضی از این اختراعات مانند تلویزیون زندگی و بینش مردم را تغییر داده است و اختراعات مرزی میان گذشته و حال و آینده باقی نمی‌گذارد. من تصور می‌کنم که همه دنیا یکی می‌شود.

دنیا باید تحت حکومت خدا باشد

اما در مورد بازگشت حضرت مسیح باید بگویم که او برای حکومت کردن می‌آید؛ این عقیده شخصی و فلسفی من است. تمام تحولات اخیر برای این است که دنیا را برای حکومت حضرت مسیح آماده کند. حضرت مسیح اگر بیايد حکومتش برای همیشه است، یعنی تا قیامت. علت آن این است که خداوند همه ما را خلق کرده و دنیا باید تحت حکومت خدا باشد و اراده و مشیت خدا باید اجرا شود. باید این اراده یک روز حکمفرما شود. من می‌خواهم بگویم که اصولاً حرکت شما یکی از نشانه‌های تحول فکری و ظهور حضرت مسیح است. علامت‌های جدیدی دیده می‌شوند. دیدار شما از اینجا برای من یک نشانه جدید است. همه در و دیوار نشان‌دهنده این علائم جدیدند. ما وارد عصر ابدیت و عصر جدیدی می‌شویم. از آغاز بشریت تاکنون هیچ عصری بیش از زمان ما آماده این امر نبوده است و در همه جهان این آثار را می‌بینیم. در ایران، در فرانسه همه جا مشهود است. یکی از علائم آخر الزمان این است که دوران عالی بشریت شروع میشود و همین دیدار شما از آن نشانه‌هاست.

مؤلف: نکته‌ای که جنابعالی مطرح کردید، در قرآن کریم تحت عنوان وعده الهی بیان شده است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

(سوره نور: 55). خداوند متعال به انسانهای وارسته وعده داده است که در آینده وارث زمین خواهند شد و دین پسندیده الهی بشر را اداره خواهد کرد و امنیت و آرامش اجتماعی جانشین ترس و وحشت خواهد گردید و بشریت در راه توحید و بندگی خدا قدم خواهد نهاد و بالاخره مفهوم و مقصود آیه مبارکه این است که: حاکمیت حقیقی و مطلق بر جهان تنها در حیطه قدرت و خواست خداوند عالم است.

فلاسفه الهی در جای خود روشن کرده اند که حرکت بر پایه ظلم و فساد حرکتی جبری و قسری است و آنچه طبیعی است حرکت بر اساس عدل و صلاح است و حرکت قسری نمی تواند پایدار بماند. آری، جهانی که در آن زندگی می کنیم استعداد روزگاری را دارد که حاکمیت الهی سرتاسر آن را فراگیرد و اکنون در حال آماده شدن برای چنین روزی است.

خداوند متعال حکیم است و معنای حکمت در آفرینش این است که موجودات به کمال لازم و بایسته خود دست یابند و کاروان بشریت به این سو حرکت کند. نکاتی که از آیه شریفه استفاده می شود، عبارتاند از:

1. جامعه بشری به اعتقادی دست می یابد که با هدف آفرینش و جهان هستی منطبق است، یعنی عقیده زمانی درست و پایدار است که براساس واقعیت و حقیقت استوار شود و آن حقیقت دینی است که خدا آن را می پسندد.

2. کمال جامعه بشری در شکوفایی استعدادهای بشری است و این شکوفایی در مهد آرامش و دامن امنیت اجتماعی تحقق پذیر است، نا امنی ها، کشتارها، ظلم و فساد و غارت و فجایع و طغیان شهوات و آتش غضب نمی گذارد جامعه بشری در مسیر شایسته خود حرکت کند، انحرافات در این راه بسیار است و چه بسیار جوامع بشری که در دره های تاریک گمراهی سقوط کرده اند؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.»

3. مهم ترین و پراثرترین عامل رشد انسانی توجه به خداست و تمام بدبختی ها پیامد انحراف از این راه است، زیرا بندگی خدا به معنی خضوع همه استعدادها در پیشگاه خداست و بندگی غیر خدا تسلیم استعدادها در برابر هواهای شیطانی است. معلوم است که اگر قوای انسان، اعم از عقل و عواطف و حواس، در پیشگاه خدا خاضع شد به راه ابدیت گام می نهد و به همه ارزش های انسانی دست می یابد. برعکس اگر در برابر غیر خدا، یعنی در برابر شهوات و غضب ها تسلیم گردد نقطه پایانی آن خوی حیوانیت است و لذا قرآن کریم فرمود: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا». و آینده ای که ادیان در انتظار آن هستند و جناب عالی هم بر آن تأکید دارید یک اصل قرآنی است و از جهات علمی و فلسفی نیز مورد توجه دانشمندان اسلام و سایر ادیان است.

ژان گیتون: تکرار می کنم دیدار شما از اینجا یک علامت مهم برای من است. من به آینده امیدوارم و مدتهاست به این مطلب فکر می کنم و این خانه من و این باغ کنار منزل [پارک لوکزامبورگ] با این دیدار شاهد یک لحظه تاریخی مهم است،

چرا که این بحث سرنوشت جامعه بشریت را رقم میزند و نقطه امید انسانهاست.

مؤلف: اندیشمندانی از قبیل برگسون در مورد تکامل تاریخ چه نظری داشتند؟

ژان گیتون: من شاگرد ایشان بودهام، وی تنها به تکامل حسی اعتقاد داشت، تکامل در اموری که قابل اثبات باشد و نه چیز دیگر. اما به نظر من این عصر به پایان رسیده و ما وارد عصر دیگری می‌شویم. دیگر موضوع تکامل تاریخی مطرح نیست بلکه جهش مطرح است. این امر در قرآن نیز مطرح است و در عقاید گذشته ایرانیان نیز تصریح شده است. تکامل در قرآن به معنی جهش است.

مؤلف: گویا شما با مفاهیم قرآنی آشنایی دارید. من از بیان جناب عالی استنباط می‌کنم که میان تکامل و تحول فرق می‌گذارید. تکامل را سیر تدریجی و تحول را دگرگونی دفعی و ناگهانی می‌دانید و نام آن را جهش می‌گذارید. این مطلب از نظر فلسفی و هم از نظر کلامی قابل توجه است. اما از نظر فلسفی، همه عالم رو به تکامل است، یعنی از نقص به سوی کمال در حال حرکت است و جامعه بشری با پدید آمدن حکومت عدل الهی مرحله‌ای از تکامل را می‌پیماید؛ و به نظر من مقصود شما از جهش تحول سریع است نه طفره و این تحول در فلسفه از موارد تکامل است، تکاملی که شرایط وجودی آن سریع انجام گرفته و مراحل استعدادها ناگهان تحقق یافته است. اگر منظور از جهش مفهومی در برابر تکامل باشد از نظر قواعد فلسفی جای بحث دارد، اما اگر نوعی از تکامل را جهش می‌نامید این مورد قبول است.

از نظر کلامی در انجیل آمده است چه بسا شما شب بخواید و در سحرگاه ناگهان پسر انسان ظاهر گردد. در احادیث ما مسلمانان نیز در باب ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است که در آن هنگام انسانها شب جاهل می‌خوابند و صبح عالم برمی‌خیزند و شب نگران و ترسویند و صبح شجاع و دلیر برمی‌خیزند. ممکن است شما این تعبیر را جهش نام بگذارید، مهم نیست، مقصود این است که تحول ناگهانی به وجود خواهد آمد. این را پیروان تمام ادیان می‌پذیرند، حالا تحت عنوان تکامل یا جهش. فیلسوفان خداشناس این حرکت را تکامل اجتماعی گفته‌اند و اسلام بر این حقیقت در قرآن و احادیث تأکید کرده است.

ژان گیتون: به نظر من اسلام به واقعیّت نزدیکتر است تا مسیحیت. مسیحیت ما را وارد معنویاتی می‌کند بدون اینکه واقعیّت‌ها را در نظر بگیرد، در حالی که در اسلام علاوه بر معنویت به حقیقت و واقعیّت جهان پرداخته شده است. اسلام با زندگی پیوند دارد، برعکس مسیحیت.

انتهای پیام/

انتهای پیام/